

A comparative study of Sunni and Shia sources in narrating the reports of the Martyrdom of Imam Sajjad (PBUH)

Abbas Mirzaei¹

Received: 2021/12/11 | Accepted: 2022/02/19

Abstract

(DOI): [10.22034/SKH.2022.12579.1269](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.12579.1269)

Original Article

P 7 - 26

There are many reports about the time of Imam Sajjad's Martyrdom in Shia and Sunni sources; In such a way that this issue has the biggest difference compared to other imams. This matter applies not only to the year, but also to the month and day of Martyrdom. There are about twenty reports about this in Shia (Imami, Zaidi and Ismaili) and Sunni sources. In addition, the cause of Martyrdom is another controversial issue about Imam Sajjad (PBUH). The question is: which reports are the most repeated and famous in these sources? What is the meaningful relationship between them? Is it possible to present an idea about the reason for the Martyrdom of him based on historical evidence? Analysis of the reports shows that the lunar year 94 in the Sunni sources, the lunar year 95 in the Shia sources and Muharram-ul-Haram are famous in both groups. It is not possible to know about the day of Martyrdom. But in Shiite sources, 25th of Muharram has been given more attention. Although there is no direct historical report about the cause of Martyrdom, But based on the historical course of Umayyad interactions with Imam Sajjad (PBUH), martyrdom is more likely.

Keywords: : history of Ahl al-Bayt, history of Imam Sajjad (PBUH), Martyrdom of Imam Sajjad (PBUH).

1- Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. a_mirzaei@sbu.ac.ir



بررسی تطبیقی منابع اهل سنت و شیعه در نقل گزارش‌های تاریخ شهادت امام سجاد(ع)

عباس میرزایی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2022.12579.1269

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۲۶/۷

چکیده

گزارش‌های فراوانی درباره زمان شهادت امام سجاد(ع) در منابع شیعه و اهل سنت آمده است؛ به گونه‌ای که این موضوع، نسبت به امامان دیگر، بیشترین اختلاف را دارد. این مسئله نه تنها درباره سال، بلکه درباره ماه و روز شهادت نیز صدق می‌کند. حدود ۲۰ گزارش درباره این مسئله در منابع تاریخی و رجالی شیعه (امامی، زیدی و اسماعیلی) و اهل سنت آمده است. افزون بر این، علت شهادت هم موضوع اختلافی دیگری درباره امام سجاد(ع) است. پرسش این است که در این منابع، چه گزارش‌هایی بیشترین تکرار و شهرت را دارند؟ چه رابطه معناداری میان آنهاست؟ آیا بر اساس شواهد تاریخی می‌توان ایده‌ای درباره علت شهادت حضرت ارائه کرد؟ بررسی گزارش‌ها نشان می‌دهد که سال ۹۴ قمری در منابع اهل سنت، سال ۹۵ قمری در منابع شیعه و محرم الحرام در هر دو گروه شهرت بیشتری دارند. درباره روز شهادت هم نمی‌توان به نظری دست یافت. ولی در منابع شیعی روز ۲۵ محرم توجه بیشتری شده است. درباره علت شهادت گرچه گزارش تاریخی مستقیمی در اختیار نیست؛ ولی براساس سیر تاریخی تعاملات امویان با امام سجاد(ع)، شهادت احتمال بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: تاریخ اهل بیت(ع) تاریخ امام سجاد(ع) شهادت امام سجاد(ع)

۱. دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهیدبهبشتی، تهران، ایران، a_mirzaei@sbu.ac.ir



مقدمه

درباره زندگی امام سجاده(ع) پرسش‌های فراوانی مطرح است که پاسخ به آنها تسلط بیشتری را بر سیر تاریخی زندگی امام سجاده(ع) فراهم می‌کند. یکی از این پرسش‌ها درباره زمان شهادت است. منابع تاریخی و رجالی شیعه - با گرایش‌های گوناگون - و اهل سنت، زمان‌های زیادی را برای شهادت امام سجاده(ع) مطرح کرده‌اند. درباره سال شهادت، از سال ۹۰ تا ۱۰۰، زمان‌هایی است که در منابع شیعه و سنی، در دوازده گزارش با پراکندگی معنایی در هفت گزارش، مطرح شده است. درباره ماه شهادت سه گزارش ذی‌الحجه، محرم و ربیع‌الاول و روز شهادت، هشت گزارش تا سده‌های میانی در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است. درباره علت شهادت هم گفتگوهایی در هر دو دسته مطرح است؛ مبنی بر اینکه حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رفته یا به شهادت رسیده است. این مقاله می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که کدام یک از این زمان‌ها، بیشترین فراوانی را در منابع دارند. از نظر سندی و شهرت، وضعیت آنها چگونه است؟ منابع شیعی و سنی در این باره چقدر هم‌پوشانی و یا اثرپذیری دارند؟ چه مباحثی درباره علت شهادت حضرت مطرح شده و کدام را می‌توان ترجیح تاریخی داد؟

به نظر می‌رسد درباره سال شهادت امام سجاده(ع) نمی‌توان به گزارش مشترکی در منابع شیعه و اهل سنت رسید. ولی بیشترین فراوانی در هر دوی آنها به نیمه دهه پایانی سده نخست (سال ۹۴ق) بنابر گزارش‌های منابع اهل سنت، و سال ۹۵ قمری بنابر گزارش‌های منابع شیعی، اشاره دارند. درباره ماه شهادت، محرم بیشترین فراوانی را دارد. ولی درباره روز شهادت در منابع اهل سنت نمی‌توان به جمع‌بندی خاصی رسید. اما در منابع شیعه، روز ۲۵ محرم بیشترین فراوانی را دارد. درباره علت شهادت، منابع اهل سنت ساکت هستند. ولی جریان‌های حدیثی شیعه قائل به شهادت و جریان‌های عقل‌گرا، قائل به مرگ طبیعی هستند. ولی مناسبات امویان با امام سجاده(ع) به گونه‌ای است که فرضیه شهادت قوی‌تر است.

طبیعتاً همه منابعی که درباره تاریخ زندگی امام سجاده(ع) بحث کرده‌اند، به این موضوعات - به صورت جسته و گریخته - اشاره کرده‌اند. ولی اینکه یک اثر پژوهشی مستقل به بررسی این گزارش‌ها پرداخته باشد - بنابر آنچه نویسنده جستجو کرده - یافت نشد. تنها در کتاب *بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان* از یدالله مقدسی به طور خاص در بخش امام سجاده(ع) به این موضوع پرداخته است. (مقدسی، ۱۳۹۵: ص ۳۳۷-۳۴۷)

وی در این کتاب گزارش‌ها را بیشتر به صورت نامرتب و بدون تفکیک در منابع شیعه و اهل

سنت، جمع‌آوری کرده است. ولی به برخی گزارش‌ها مانند گزارش شهادت حضرت در سال ۹۰ قمری (مقدسی، ۱۳۹۵: ص ۳۳۷) توجه نکرده است. یا اینکه شهادت در سال ۱۰۰ قمری را منفرد و تنها از یعقوبی گزارش کرده است؛ حال آنکه از اقوالی قدیمی است که از مدائنی در منابع مختلف گزارش شده است. (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۲۷۰) همچنین توجیهاتی بدون پایه مطرح کرده است؛ مانند اینکه در منابع اهل سنت فرقی میان سال ۹۴ و ۹۵ قمری نیست و این اختلاف به خاطر تغییر مبنای محاسبه سال قمری صوری است؛ (مقدسی، ۱۳۹۵: ص ۳۳۸) یا اینکه برای نشان دادن نظر خود دست به گزینش منابع زده است. برای نمونه برای نشان دادن درستی سال ۹۵ قمری به روایت امام صادق (ع) به نقل از ابابصیر در کلینی اشاره کرده است.

وی این گزارش را از این جهت درخور دانسته که به امام معصوم ختم می‌شود و اینکه ابن سعد گفته: «خاندان و شهروندان او به این موضوع آگاه‌ترند». (مقدسی، ۱۳۹۵: ص ۳۳۹) حال آن که در منابع حدیثی اهل سنت، حدیثی از امام صادق (ع) به نقل از امام باقر (ع) - آن هم با دو طریق روایی، یکی از سفیان بن عیینه (بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲) و دیگری از سلیمان بن بلال (م. ۱۷۲ق.) - (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴) سال شهادت امام سجاد (ع) را ۹۴ قمری گزارش کرده است. البته به این گزارش توجه نشده است؛ یا اینکه بر خلاف معیارهای مشخص - شده پیش رفته‌اند. مثلاً در بحث روز شهادت، به نظر شیخ مفید استناد می‌کند؛ چراکه به منابع معتبر و زمان ائمه نزدیک‌تر بوده است؛ (مقدسی، ۱۳۹۵: ص ۳۴۲) حال آنکه از میان اقوال مختلف درباره روز شهادت، تنها نظری که صاحب آن مشخص است و راوی آن در دوران حیات امام کاظم (ع) بوده، نظر یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی (م. حوالی ۱۸۰ق.) است (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹؛ ذهبی، ۱۹۶۱: ج ۱، ص ۱۱۱) که از نزدیکان اهل بیت: هم به شمار می‌رود.

به هر حال اهمیت این مسئله از این جهت است که رخدادهای سیاسی و اجتماعی فراوانی در دهه پایانی سده نخست به وقوع پیوسته است. ارتباط تاریخی و معرفتی میان این حوادث و امام سجاد (ع) و تحلیل این ارتباطات مسئله‌ای مهم در تاریخ زندگی ایشان است. همچنین فهم و انتساب برخی گزارش‌های سیره‌ای حضرت، به آگاهی از زمان شهادت ایشان وابسته است. بر اساس نتایج این بحث می‌توان به بخشی از پرسش‌ها درباره تاریخ و سیره پاسخ داد و تحلیل دقیق‌تری مطرح کرد. برای مثال درباره وضعیت رحلت یا شهادت امام سجاد (ع)، ارتباطات امام با

مشایخ و شاگردان و عالمان مدینه مهم است. در واقع حل این مسئله به ارائه سیر زندگی امام سجاد(ع) در دهه آخر سده نخست نیاز دارد؛ چراکه ارائه یک تاریخ مشخص و نزدیک به واقع از شهادت امام سجاد(ع) برای منظم کردن گزارش‌ها و پیشگیری از خطاهایی که در توصیف و تحلیل مباحث مرتبط با امام بوده امری شایسته و قابل توجه است.

در هر صورت این مقاله پس از بررسی سال شهادت امام سجاد(ع) در منابع شیعه و اهل سنت، به بررسی ماه و روز شهادت ایشان خواهد پرداخت. در پایان مقاله هم درباره شهادت یا عدم شهادت حضرت بحث شده است. منابع اهل سنت هیچ یک به شهادت اشاره نکرده‌اند. ولی در منابع شیعی از سده چهارم به بعد به این موضوع اشاره شده است. شواهد تاریخی از سیر مناسبات امویان و امام سجاد(ع)، شهادت حضرت را طبیعی تر می‌داند.

سال شهادت امام سجاد(ع)

بررسی منابعی از اهل سنت تا سده پنجم که به تاریخ شهادت امام سجاد(ع) اشاره کرده‌اند نشان می‌دهد سال‌های ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۹ و ۱۰۰ هجری را سال شهادت امام سجاد(ع) گزارش کرده‌اند. نخستین گزارش، سال ۹۲ قمری است. ابونعیم فضل بن دکین(م. ۲۱۸ق.)، (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲؛ خلیفه، بی تا: ص ۲۳۶؛ ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۲؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۳؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۰۲-۴۰۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۲۷۰) علی بن مدینی(م. ۲۳۴ق.)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۳؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۰۲-۴۰۴) ابن ابی شیبیه(م. ۲۴۵ق.)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۰۲-۴۰۴) و قعنب بن محرر باهلی(نیمه دوم سده سوم) (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۰۲-۴۰۴) نخستین محدثان و مورخان از اهل سنت هستند که تراجم‌نگاران سال ۹۲ را از طریق آنها به صورت مسند گزارش کرده‌اند. برخی از شاخص‌ترین منابع تراجم‌نگاران اهل سنت در سده سوم این گزارش را نقل کرده‌اند.^۲

۲. از این دست منابع می‌توان به ابن سعد(م. ۲۳۰ق.) (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱) (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱) ابن ابی شیبیه کوفی(م. ۲۳۵ق.) (ابن ابی شیبیه کوفی، ۱۴۰۹: ج ۸، ص ۵۰) خلیفه بن خیاط(م. ۲۴۰ق.) (خلیفه، بی تا: ص ۲۳۶) و بلاذری(م. ۲۷۹ق.) (بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۳، ص ۱۴۶) اشاره کرد. گفتنی است ابن

دومین گزارش منابع اهل سنت سال ۹۳ است که ابن عبدالبر اندلسی (م. ۴۶۵ق) با عنوان «قیل» آورده است. (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸) در دوره‌های بعد منابع دیگر صاحب این قول را معن بن عیسی قزاز (م. ۱۹۸ق) معرفی کرده‌اند. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۲۷۰) بنابر گزارش‌های موجود ظاهراً وی اولین گزارشگر سال شهادت امام سجاد (ع) در سال ۹۳ است. البته معن به اقوال دیگر آشنایی داشته و خود گزارش کرده که برخی دیگر از تراجم‌نگاران سال‌های ۹۴ یا ۹۵ را برای شهادت امام ذکر کرده‌اند. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۲۷۰) به غیر از ابن عبدالبر که با عنوان تضعیف شده «قیل» از این نظر یاد می‌کند، در نیمه نخست سده سوم نیز یحیی بن معین مورخ (م. ۲۳۳ق) نیز این قول را گزارش کرده که خبر آن در منابع سده هشتم وارد شده است. (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹)

سومین و معروف‌ترین گزارش اهل سنت در باب شهادت علی بن حسین (ع) سال ۹۴ است. این قول به صورت‌ها و عبارات‌های گوناگون در منابع اصلی اهل سنت تا سده پنجم نقل شده است.^۳ منابع اهل سنت این گزارش را به فراوانی از محدثین و مورخین سده دوم و سوم گزارش کرده‌اند. از بزرگان سده دوم می‌توان به علی بن عبدالله تمیمی (نیمه اول قرن دوم)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۵؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) محمد بن علی بن حسین (ع) (م. ۱۱۴ق)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲) حسین بن علی بن حسین (م. ۱۵۷ق)، (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) جعفر بن محمد بن علی (ع) (۱۴۸ق)، (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) عبدالحکیم بن عبدالله بن اُبی فروة (م. ۱۵۶ق) (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ ابن عساکر،

حیان (م. ۳۵۴ق) (ابن حیان، ۱۳۹۳: ج ۵، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ ابن حیان، ۱۴۱۱: ص ۱۰۴؛ ابن عبدالبر اندلسی (م. ۴۶۵ق) (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸) نیز منابعی هستند که به رحلت حضرت در سال ۹۲ اشاره کرده‌اند.

۳. برخی از این منابع از این قرارند: ابن سعد (م. ۲۳۰ق) (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱)؛ خلیفه بن خیاط (م. ۲۴۰ق) (خلیفه، بی تا: ص ۲۳۶)؛ احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق) (احمد بن حنبل، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۴۷۱-۴۷۲)؛ ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق) (ابن قتیبه، ۱۹۶۹: ص ۲۱۴-۲۱۵)؛ بلاذری (م. ۲۷۹ق) (بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۳، ص ۱۴۶ و هم چنین ج ۱۰، ص ۲۲۷-۲۳۸)؛ طبری (م. ۳۱۰ق) (طبری، ۱۹۸۳: ج ۵، ص ۲۶۳)؛ ابن حیان (م. ۳۵۴ق) (ابن حیان، ۱۳۹۳: ج ۵، ص ۱۵۹-۱۶۰)؛ ابن عبدالبر اندلسی (م. ۴۶۵ق) (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸)؛ ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۹).

۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۲) و عبدالله بن نمیر (م. ۱۹۹۰ق) (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۹؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶) اشاره کرد. از بزرگان سده سوم هم می‌توان به: واقدی (م. ۲۰۷ق)،^۴ علی بن جعفر بن محمد (م. ۲۱۰ق)، (بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴ و ص ۴۱۵؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) یحیی بن بکیر (م. ۲۳۱ق)^۵ یحیی بن معین (م. ۲۳۳ق) (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۱) مصعب بن عبدالله زبیری (م. ۲۳۳ق)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶) ابو عبید قاسم بن سلام (م. ۲۴۴ق)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۹) ابو حفص فلاس (م. ۲۴۹ق) (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۱۳۲؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۵؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) و زبیر بن بکار (م. ۲۵۶ق)^۶ اشاره کرد.

سه گزارش کم‌بازخورد نیز درباره سال شهادت علی بن حسین (ع) در منابع اهل سنت گزارش شده است که چندان مورد توجه نیست: یکی سال ۹۵ قمری است. راوی این قول عبدالله بن بکیر (م. ۲۳۱ق) است. وی دو گزارش درباره سال شهادت امام سجاد (ع) نقل کرده است. یکی همان سال ۹۴ قمری است و دیگری سال ۹۵ هجری. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) این گزارش را محمد بن یحیی الذهلی (م. ۲۵۸ق) نیز از قول ابن بکیر گزارش کرده است. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴) گفتنی است برخی از منابع هم تنها نقل ابن بکیر در سال ۹۵ هجری را گزارش کرده‌اند. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) گزارش دوم هم سال ۹۹ قمری است که آن را ابن حبان (م. ۳۵۴ق) بدون سند گزارش کرده است. (ابن حبان، ۱۳۹۳: ج ۵، ص ۶۳) ابن عبدالبر اندلسی (م. ۴۶۵ق) با عبارت «یقال» از آن یاد کرده است. (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸)

آخرین گزارش هم سال ۱۰۰ قمری است که علی بن محمد مدائنی (م. ۲۲۴) نقل کرده است.

^۴. بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۱۰، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ البته واقدی خود این گزارش سال ۹۴ قمری را از ابن ابی فروه (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱) و حسین بن علی، فرزند امام سجاد (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) گزارش کرده است.

^۵. البته یحیی بن بکیر کنار سال ۹۴ قمری هم نقل کرده است. در این باره رک: ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴)

^۶. ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶؛ زبیر بن بکار احتمال این گزارش را از عموی خود، مصعب بن عبدالله زبیری، رک: ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۵۸، ص ۲۵۳ نقل کرده است.

همو افزوده است که برخی سال شهادت را ۹۹ هجری دانسته‌اند. (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) برخی منابع هم تنها گزارش سال صد هجری را به وی منسوب دانسته‌اند؛ (ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۲۷۰) قوی که با نقد ذهبی روبروست.^۸

درباره دو گزارش اخیر، باید گفت که شاهی وجود دارد و آن اینکه نقل کرده‌اند امام هنگام بیماری محمد بن زید بن اسامه نزد وی بوده است. ظاهراً این بیماری هنگام مرگ وی بوده است؛ چراکه محمد برای پرداخت بدهی‌های خود گفتگوی وصیت‌گونه‌ای دارد و برخی از منابع (کلینی) صراحتاً اشاره کرده که محمد در حالت احتضار بوده است. از سوی دیگر درباره سال رحلت محمد هم گفته شده که وی در دهه نود هجری (صفدی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۱۳۱؛ ابن حجر، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۵۴) در ایام خلافت ولید بن عبدالملک (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۴۶؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ج ۵، ص ۲۱) در سال ۹۶ قمری (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ج ۵، ص ۲۱؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۷۹ و ۴۴۶) از دنیا رفته است. بر این اساس، اگر این گزارش درست باشد، امام سجاد پس از سال ۹۶ قمری از دنیا رفته است. بنابراین گزارش‌هایی که سال شهادت امام سجاد (ع) را پس از سال ۹۶ بیان کرده‌اند می‌توانند از این گزارش تاریخی به عنوان یک شاهد استفاده کنند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد منابع اهل سنت، خود، به وجود اختلاف در سال شهادت امام سجاد (ع) اشاره کرده‌اند؛ ولی به دو زمان، یعنی ۹۲ و ۹۴ بیشترین توجه را کرده‌اند. میان این دو گزارش سال ۹۴ دارای جایگاه بالاتری است. گزارشی که به فراوانی در منابع تاریخی و رجالی اهل سنت، چه با ذکر راوی و یا بدون آن، در سده‌های گوناگون، تکرار شده است. همچنین تراجم‌نگارانی از اهل سنت که به گزارش‌های مختلف اشاره کرده‌اند، خود به صحیح بودن سال ۹۴ اعتراف دارند. مثلاً ابن سعد (م. ۲۳۰ق) با دو سند سال شهادت را ۹۴ نقل می‌کند. وی وقتی گزارش ابونعیم فضل بن دکین را ۹۴ بودن سال شهادت امام بیان می‌کند، آن را نقد می‌کند و می‌گوید که این نظر خلاف آن چیزی است که خانواده یا اهل بلد علی بن حسین (ع) نقل کرده‌اند. (ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱) ابن سعد (م. ۲۳۰ق) معتقد است خانواده یک شخص و یا اهل شهر اطلاعات قابل رجوع‌تری درباره هر فرد دارد.^۹

^۸. (وأغرب المدائنی فی قوله: إنه توفي سنة تسع وتسعين والله أعلم)؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۱۳۲.
^۹. ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ این نظر ابن سعد را منابع تراجم‌نگاری دیگر اهل سنت تکرار کرده‌اند. رک: ابن

بنابر این معیار چندین نفر از خانواده امام سجاد(ع) سال شهادت ایشان را ۹۴ قمری بیان کرده‌اند. دو فرزند امام سجاد(ع)، امام باقر(ع.م.۱۱۴) (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲) و حسین بن علی بن حسین(م.۱۵۷ق)،^{۱۰} امام صادق(ع.م.۱۴۸ق)، نوه امام (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹) و نبیره ایشان، علی بن جعفر بن محمد(م.۲۱۰ق) (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴ و ص ۴۱۵؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۰۲-۴۰۴) سال ۹۴ قمری را زمان شهادت امام سجاد(ع) دانسته‌اند. به نظر می‌رسد تا سده پنجم این قول، رأیی مشهور در تاریخ تراجم‌نگاری اهل سنت بوده است. از این رو ابن عبدالبر اندلسی(م.۴۶۵ق) آن را قول بیشتر تراجم‌نگاران تا سده پنجم معرفی می‌کند. (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸) افزون بر این سال ۹۴ در زبان محدثین و تراجم‌نگاران اهل سنت به سنه الفقها معروف است. در این سال چند نفر از فقهای مشهور مدینه از دنیا رفتند.^{۱۱} همه منابعی که از سنه الفقها و فقهای مرحوم صحبت کرده‌اند به نام علی بن حسین ۸ نیز اشاره کرده‌اند.^{۱۲} ابن کثیر(م.۷۷۴ق) و ذهبی(م.۷۴۸ق) سال ۹۴ قمری را قول مشهور تراجم‌نگاران اهل سنت می‌دانند. (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۱۳۲) در مقابل، سال شهادت امام سجاد(ع) در منابع شیعی، اعم از امامی و غیر امامی، وضعیت دیگری دارد. وجه مشترک همه آنها از نظر سند، به غیر از اربلی(م.۶۹۳ق)،^{۱۳} مرسل بودن و نداشتن طریق روایی است. یعقوبی(م.۲۸۴ق)، سال‌های ۹۹ و ۱۰۰ قمری را برای شهادت امام سجاد(ع) ذکر کرده است. (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۳۰۳) او احتمالاً این گزارش را از علی بن محمد مدائنی(م.۲۲۴ق) نقل می‌کند؛ زیرا وی تنها مورخی است که دو نظر ۹۹ و ۱۰۰ را جزء

عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۰۴.

^{۱۰} ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹.

^{۱۱} طبری، ۱۹۸۳: ج ۵، ص ۲۶۳؛ ابن فقها عبارتند از: عروه بن زبیر، سلیمان بن یسار، سعید بن المسیب، وأبو بکر بن عبدالرحمن اشاره کرد. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۶، ص ۳۸). ذهبی نیز ابوسلمه بن عبدالرحمان، مالک بن ارث سلمی، ربیع بن عبدالله بن هذیر و تمیم بن طرفة را نیز به این سیاهه اضافه کرده است. ذهبی، تاریخ اسلام، ج ۶، ص ۲۶۰؛ البته چنان که ذهبی اشاره کرده، در سال مرگ برخی از اینها اختلافاتی گزارش شده است.

^{۱۲} برخی از این منابع تا حوالی سده پنجم از این قرارند: ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۴۷۱-۴۷۲؛ بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۷۰؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۱۰، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ طبری، ۱۹۸۳: ج ۵، ص ۲۶۳؛ ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸.

^{۱۳} بین منابع شیعی اربلی تنها گزارشگری است که سال شهادت امام سجاد را با نقل سند روایی و از طریق ابن ابی-فروه، عبدالحکیم بن عبدالله بن ابی فروة(م.۱۵۶ق) گزارش کرده است. (اربلی، ۱۹۸۵: ج ۲، ص ۳۰۲-۳۰۳). گفتنی است که این گزارش ابن ابی فروه را ابن سعد(ابن سعد، ۱۹۳۰: ج ۵، ص ۲۲۱) در منابع نخستین اهل سنت گزارش کرده‌اند.

سال‌های شهادت امام سجاده (ع) نام برده است. (در این باره رک: ابن عبدالبر، ۱۳۸۷: ج ۹، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۶)
از سوی دیگر گزارش‌هایی از اثرپذیری یعقوبی از مدائنی نقل شده است. (بارتولد، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۴۳)

دیگر منابع شیعی، از قرن سوم تا هشتم، بیشتر به سال ۹۵ قمری تصریح کرده‌اند.^{۱۴} این گزارش در منابع اهل سنت به صورت نادر نقل شده است. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۶۴؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۰، ص ۴۰۲-۴۰۴) از طرفی، گزارش سال ۹۴ قمری که در منابع اهل سنت به فراوانی نقل شده، در منابع شیعی توجه خاصی به آن نشده است. تنها ابو محمد نوبختی (م. ۳۱۰ق) و قاضی نعمان مغربی (م. ۳۶۳ق) - که در سده چهارم قرار دارند - سال شهادت امام سجاده (ع) را ۹۴ قمری گزارش کرده‌اند. (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۵۳؛ قاضی نعمان، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۷۵) برخی منابع شیعی هم دو گزارش و ۹۵ را با هم ذکر کرده‌اند که می‌توان به یعقوبی (م. ۲۸۴ق)، یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۳۰۳) محمد بن حسن قمی (م. ۳۷۸ق)، قمی، بی تا: ص ۱۹۶-۱۹۷) شیخ مفید (م. ۴۱۳ق) (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۳۷؛ شیخ مفید، ۱۴۱۰: ص ۴۷۲؛ شیخ مفید، ۱۹۹۳: ص ۴۵) و اربلی (م. ۶۹۳ق) (اربلی، ۱۹۸۵: ج ۲، ص ۳۰۲-۳۰۳ و ج ۲، ص ۲۹۵) اشاره کرد. قول منفردی در سده هفتم هم سال ۹۰ قمری را گزارش کرده است. (موصلی، ۱۴۲۴: ص ۱۱۵) گزارشی که در منابع اهل سنت هم هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. همچنین در منابع شیعه هیچ گزارشی از شهادت امام سجاده (ع) در سال ۹۲ یا ۹۳ قمری نیست.

بررسی روایت‌های امامیه نشان می‌دهد که درباره سال شهادت امام سجاده (ع) یک گزارش از امام صادق (ع) در منابع حدیثی امامیه آمده است. این گزارش که آن را ابی بصیر نقل کرده، سال شهادت را ۹۵ قمری بیان کرده است. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۶۸) در مقابل، منابع اهل سنت حدیثی از امام صادق (ع)، به نقل از امام باقر (ع)، گزارش کرده‌اند که ایشان سال شهادت امام سجاده (ع) را ۹۴ قمری می‌دانند. این روایت را اهل سنت از دو طریق روایی، یکی از سفیان بن

^{۱۴} قاسم رسی (م. ۲۵۶ق). (قاسم رسی، ۱۹۸۸: ص ۶۹)؛ کاتب بغدادی (م. ۳۲۲ق). (کاتب بغدادی، ۱۴۰۶، ص ۸-۹)؛ شیخ کلینی (م. ۳۲۴ق). (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۶۶)؛ مسعودی (م. ۳۴۶ق). «و يقال ۹۴ ق.» (مسعودی، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۶۰)؛ شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق). (شیخ طوسی، ۱۳۶۴: ج ۶، ص ۷۷)؛ حسین بن عبدالوهاب (ق. پنجم) (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹: ص ۶۵)؛ فتال نیشابوری (م. ۵۰۸ق). (فتال نیشابوری، بی تا، ص ۲۰۱)؛ طبرسی (م. ۵۴۷ق). (طبرسی، ۱۴۰۶: ص ۳۷-۳۸؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۴۷۱)؛ ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق). (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۱۱-۳۱۰)؛ علامه حلی (م. ۷۲۶ق). (علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۱۲۲-۱۲۳).

عینیه (بخاری، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۲) و دیگری از سلیمان بن بلال (م. ۱۷۲ق)، (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۴۱۴) نقل کرده‌اند. بنابراین از دو گزارش سال ۹۴ و ۹۵ در منابع شیعه و اهل سنت نمی‌توان هیچ‌یک را برتر دانست.

ماه شهادت امام سجاد(ع)

منابع اهل سنت به ماه یا روز شهادت امام سجاد(ع) توجه زیادی نکرده‌اند. تنها سه گزارش محرم، ربیع‌الاول و ذی‌الحجه گزارش شده است. گزارش محرم بلاذری (م. ۲۷۹ق) از واقدی (م. ۲۰۷ق) نخستین این گزارش‌هاست (بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۱۰، ص ۲۳۷-۲۳۸) که طبری (م. ۳۱۰ق) نیز آن را نقل کرده است. (طبری، ۱۹۸۳: ج ۵، ص ۲۶۳) برخی منابع سده هشتم و نهم، مانند ابن کثیر (م. ۷۷۴ق) (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۱۳۲) و ابن صباغ مالکی (م. ۸۵۵ق) (ابن صباغ، ۱۴۲۲: ص ۸۷۳-۸۷۴) به آن توجه کرده‌اند. دومین گزارش مربوط به ذهبی (م. ۷۴۸ق) است. وی از قول یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی (م. ۱۸۰ق)، گزارش کرده که امام در چهاردهم ربیع‌الاول از دنیا رفته است. (ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۳۹؛ ذهبی، ۱۹۶۱: ج ۱، ص ۱۱۱) البته ذهبی برای این گزارش طریق روایی نقل نمی‌کند و تنها آن را به یحیی بن عبدالله منسوب می‌کند. سومین گزارش برای حمدالله مستوفی (م. ۷۵۰ق) است که وی روز و ماه شهادت امام سجاد(ع) را در ذی‌الحجه معرفی می‌کند. (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ص ۲۰۲)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که قول واقدی (محرم) تنها قولی است که در منابع تاریخی اهل سنت تکرار شده است و دو قول دیگر تقریباً بدون تکرار و تنها گزارشی از سوی ذهبی و حمدالله مستوفی در نیمه سده هشتم است.

برابر منابع اهل سنت که سه گزارش درباره ماه شهادت امام سجاد(ع) نقل کرده‌اند، منابع شیعی، بر شهادت حضرت در ماه محرم اتفاق دارند.^{۱۵} هیچ یک از این منابع به گزارش ربیع‌الاول و ذی‌الحجه استناد نکرده‌اند. فقط در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که شب شهادت امام

^{۱۵} . قاسم رسی (م. ۲۴۶ق) (قاسم رسی، ۱۹۸۸: ص ۶۹)؛ نوبختی، ۱۴۱۴: ص ۵۳؛ قاضی نعمان (م. ۳۶۳ق) (قاضی نعمان، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۷۵)؛ حسن بن محمد قمی (م. ۳۷۸ق) (قمی، بی تا: ص ۱۹۶-۱۹۷)؛ شیخ مفید (م. ۴۱۳ق) (شیخ مفید، ۱۹۹۳: ص ۴۵)؛ فتال نیشابوری (۵۰۸ق) (فتال نیشابوری، بی تا: ص ۲۰۱)؛ طبرسی (م. ۵۴۷ق) (طبرسی، ۱۴۰۶: ص ۳۷-۳۸؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۴۷۱)؛ ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق) (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳: ص ۳۱۰-۳۱۱).

سجاد(ع)، همان شب رحلت پیامبر(ص) است. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۵۹) از سوی رحلت پیامبر(ص) در ۲۸ صفر است. حدیثی که در هیچ یک از گزارش‌های مرتبط با موضوع، انعکاسی نداشته است. به هر حال این اجماع بر محرم برای شهادت امام سجاد(ع) میان شیعیان، شاید بی‌ارتباط با حضور امام سجاد(ع) در واقعه عاشورا نباشد. البته در منابع اهل سنت هم قدیمی‌ترین برای بلاذری(م. ۲۷۹ق) از قول واقدی(م. ۲۰۷ق) است (بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸) که محرم را ماه شهادت امام می‌دانند.

روز شهادت امام سجاد(ع)

منابع اهل سنت سه گزارش درباره روز شهادت امام سجاد(ع) مطرح کرده‌اند. اولین گزارش از ذهبی(م. ۷۴۸ق) است. وی از قول یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی(م. ۱۸۰ق)، گزارش کرده که امام در شب سه‌شنبه چهاردهم ربیع‌الاول از دنیا رفته است. (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۹؛ ذهبی، ۱۹۶۱، ج ۱، ص ۱۱۱) دومین گزارش از حمدالله مستوفی(م. ۷۵۰ق) است که وی روز شهادت امام را دوشنبه، هفتم ذی‌الحجه معرفی می‌کند؛ (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ص ۲۰۲) سومین گزارش در سده نهم هجری از ابن صباغ مالکی(م. ۸۵۵ق) است که روز دوازدهم محرم را گزارش کرده است. (ابن صباغ، ۱۴۲۲: ص ۸۷۳-۸۷۴)

منابع شیعی، تا سده‌های میانه، پنج گزارش را روایت کرده‌اند که همگی روزهایی در ماه محرم است. قدیمی‌ترین و پرتکرارترین گزارش، ۲۵ محرم است که قاسم رسی(م. ۲۴۶ق) (قاسم رسی، ۱۹۸۸: ص ۶۹)، شیخ مفید(م. ۴۱۳ق) (شیخ مفید، ۱۹۹۴: ص ۴۵) و فتال نیشابوری(م. ۵۰۸ق) (فتال نیشابوری، بی تا: ص ۲۰۱) گزارش کرده‌اند.

چهار گزارش دیگر از طبرسی(م. ۵۴۷ق) و ابن شهر آشوب(م. ۵۸۸ق) است. طبرسی دهم (طبرسی، ۱۴۰۶: ص ۳۷-۳۸) و دوازدهم محرم (طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۴۷۱) و ابن شهر آشوب هجده یا نوزدهم محرم را روایت کرده‌اند. (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۱۰-۳۱۱) گفتنی است که گزارش دوازدهم محرم طبرسی تنها گزارشی است که در منابع اهل سنت از منابع شیعه درباره روز شهادت، آن هم در منبعی در سده نهم، (ابن صباغ، ۱۴۲۲: ص ۸۷۳-۸۷۴) انعکاس یافته است. از این رو احتمالاً گزارش ۲۵ محرم مهم‌تر است.

علت شهادت

درباره علت شهادت امام سجاد(ع) در منابع شیعه و اهل سنت اختلاف است. هیچ‌یک از منابع اهل سنت که پیش‌تر گفته شد، درباره مرگ غیرطبیعی حضرت، گزارشی نداده‌اند. ولی در منابع شیعه از سده چهارم به بعد، گزارش‌هایی است که گفته شده که امام (ع) به دست ولید بن عبدالملک با سم به شهادت رسیده است. ظاهراً شیخ صدوق(م.۳۸۱ق) (شیخ صدوق، ۱۹۹۳: ص ۹۸) اولین بار این گزارش را نقل کرده است. پس از وی ابن شهر آشوب(م.۵۸۸ق) به نقل از شیخ صدوق، (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۱۱) محمد بن جریر طبری شیعی، (محمد بن جریر طبری شیعی، ۱۴۱۳: ص ۱۹۲) حاتم شامی(م.۶۶۴ق) (حاتم شامی، بی تا: ص ۵۹۱) سبزواری، (سبزواری، ۱۹۹۳: ص ۸۶) سیدحیدر آملی(م.۷۸۲ق) (آملی، ۱۴۲۸: ص ۵۴۰) این گزارش را تکرار کرده‌اند. در مقابل، برخی بزرگان امامیه شهادت امام سجاد(ع) و مسمومیت ایشان به دست ولید بن عبدالملک را گزارش نکرده‌اند و قائل به رحلت حضرت هستند. از این میان می‌توان به شیخ مفید(م.۴۱۳ق) و (شیخ مفید، ۱۹۹۳: ص ۴۵) شیخ طوسی(م.۴۶۰ق) (شیخ طوسی، ۱۹۹۱: ص ۷۸۷) اشاره کرد. حتی در دعاها هم به شهادت ایشان اشاره نکرده‌اند و تنها با عبارتی مانند «وضاعف العذاب علی من ظلمه» به مذمت مخالفان و دشمنان حضرت پرداخته‌اند.^{۱۶} با این حال همین عبارت شیخ مفید را سید بن طاووس(م.۶۶۴ق) به گونه دیگر آورده و با اضافه کردن عبارت «وضاعف العذاب علی من شرک فی دمه» شهادت حضرت را نشان داده است. (سید بن طاووس، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۱۴). حال آنکه عبارت اضافه‌شده در هیچ یک از مصادر قبل و بعد از سید بن طاووس نقل نشده است. البته بررسی روند مناسبات امویان با امام سجاد(ع)، احتمال شهادت را تقویت می‌کند.

به نظر می‌رسد آغاز تقابلات بنی‌امیه با امام از اواخر دوره عبدالملک است. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهند که رویکرد عبدالملک با امام از دوره‌ای به بعد تغییر کرد؛ دوره‌ای که احتمالاً از اوایل دهه هشتاد و بعد از جمع شدن فتنه ابن زبیر(م.۷۲ق) است؛ چراکه امویان از

^{۱۶} . متن کامل عبارت این گونه است: «اللهم صل علی بنی‌امیه بنی‌الحسین إمام المسلمین ووال من والاه و عاد من عاداه وضاعف العذاب علی من ظلمه» این عبارت فرازی از دعایی است که شیخ مفید در بایبی با عنوان «باب شرح الصلاة علی النبی والائمة علیهم السلام» آورده است(شیخ مفید، ۱۴۱۰: ص ۳۳۱) و از آنجا در منابع دیگر در قرون متمادی تکرار شده است. مانند: شیخ طوسی، ۱۹۹۱: ص ۶۲۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۴: ج ۳، ص ۱۲۰؛ فتال نیشابوری، بی تا: ص ۳۲۴؛ کفعی، ۱۹۸۳: ص ۶۲۹؛

خطر زبیریان آسوده شده و نیازی به تعامل و جلب رضایت علویان نداشتند. از این رو هر دو گروه (علویان و زبیریان) را دشمن داشته و تحت نظر و فشار قرار دادند. ولی احتمال قوی‌تر این است که آغاز این رویارویی از اوایل دهه نود هجری است؛ دوره‌ای که با مرگ محمد بن حنفیه در سال ۸۱ یا ۸۲ قمری و رهبری شیعیان از سوی امام سجاد(ع) آغاز شد.

عبدالملک از امام سجاد(ع) می‌خواهد که شمشیر رسول الله(ص) را برای او بفرستد؛ شمشیری که در نگاه شیعیان از علائم امامت و رهبری است و در اختیار امام سجاد(ع) بوده است. (صفار، ۱۴۰۴: ص ۱۹۴-۲۱۰) این درخواست عبدالملک با واکنش امام روبرو شد و عبدالملک در نامه‌ای حضرت را تهدید کرد و وعده داد که مقرری‌اش از بیت المال را قطع خواهد کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۰۲-۳۰۳) همین نگرانی‌های عبدالملک باعث شد که سرانجام -احتمالاً در اوایل دهه نود- امام را به شام احضار کند. مأموران عبدالملک به دستور وی امام را با چندین نگهبان از مدینه به شام بردند. زهری(م. ۱۲۴ق)، از شاگردان و درباریان معروف اموی، واسطه امام و عبدالملک شد و به عبدالملک گفت که علی بن الحسین(ع) آن طور که تو گمان می‌کنی نیست (یعنی در فکر به دست آوردن خلافت و فعالیت علیه حکومت نیست) و به خود و کار خویش مشغول است. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۱، ص ۳۷۲-۳۷۳؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۲: ص ۳۵۳-۳۵۴)

این تقابل در دوره ولید نیز ادامه پیدا کرد. او دشمنی و کینه عجیبی به امام علی(ع) و فرزندان وی داشت. از این رو سنت معاویه، یعنی لعن و دشنام علی(ع) را با جدیت ادامه داد. (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۵۹: ج ۴، ص ۵۸؛ ابن حمدون، ۱۹۹۶: ج ۳، ص ۲۵۱) در ادامه همین دشمنی‌ها فشارهای زیادی هم بر هاشمیان وارد می‌کرد. وی حقوقی را که خلفا تا پیش از آن در حق بنی‌ها هاشم مراعات می‌کردند نادیده گرفت و همه را قطع کرد. (ابشیهی، بی‌تا: ج ۲، ص ۷۷۹) او حسن مثنی را که فعالیت‌هایی علیه امویان داشت پس از شرکت و شکست قیام عبدالرحمان بن اشعث با سم به قتل رساند.^{۱۷} همچنین ابوهاشم(م. ۹۸ق)، فرزند محمد بن حنفیه(م. ۸۲ق) را به جرم فعالیت‌های ضد اموی محبوس (اخبار الدوله العباسیه، ص ۱۷۴-۱۷۵؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۳، ص ۲۷۲-۲۷۳) و سپس او را با سم به قتل رساند.^{۱۸}

^{۱۷} . (ابن عنیه، ۱۹۶۱: ۱۰۰-۱۰۱) البته اگر سال رحلت حسن مثنی ۹۷ قمری باشد (ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۲۳۰) وی در ایام خلافت سلیمان بن عبدالملک از دنیا رفته و نه ولید بن عبدالملک. نکته‌ای که مصحح عمدالطالب در باورقی همین بخش یادآوری کرده است.

^{۱۸} . (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ۲۷۵/۳۲) ناگفته نماند که گزارش‌هایی از قتل ابوهاشم به وسیله سلیمان بن عبدالملک نیز

فشارهای ولید به طور خاص برای امام سجاده(ع) وجود داشت. صدقات را که یکی از مهم‌ترین منابع مالی امام سجاده(ع) بود، از امام گرفت. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۱۳، ص ۶۵؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۹۲-۹۳) تقابلات امویان با امام سجاده(ع) به جایی رسیده بود که امام از حسن مثنی دفاع می‌کرد. (شیخ صدوق، ۱۹۹۳: ص ۹۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ج ۳، ص ۳۱۱) با این حال بنای امام بر دوری از ولید بود. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۳۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۰۸)^{۱۹} سرانجام به نظر می‌رسد ولید و امویان، امام را همانند دیگر علویانی که فعالیت‌های ضد اموی داشتند، از سر راه برداشتند. از این رو احتمال شهادت امام سجاده(ع) از سوی امویان قابل توجه است.

گزارش شده است. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۱۹، ۳۷۷)

^{۱۹}. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۱۳، ص ۶۵-۶۶؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۹۳؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ج ۴، ص ۴۸۵؛ ابن حمدون، ۱۹۹۶: ج ۸، ص ۴۴) البته این گزارش به گونه دیگری در منابع تکرار شده است به این صورت که این ماجرا در دوران عبدالملک بن مروان و والیش هشام بن اسماعیل اتفاق افتاده است. (بیهقی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۴۳۴؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۱۳، ص ۶۶؛ مزی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۹۳؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ج ۴، ص ۴۸۵-۴۸۶؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۳۲۹-۳۳۰) برخی از مورخین و تراجم نگاران صورت اول، یعنی اتفاق ماجرا در دوران ولید(ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۱۳، ص ۶۶) و برخی دیگر قرائت دوم(یعنی اتفاق ماجرا در دوران عبدالملک)(مزی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۹۲-۹۳) را پذیرفته اند.

نتیجه

این مقاله درباره زمان شهادت امام سجاد(ع) است. در این باره پراکندگی قابل توجهی در منابع شیعه و اهل سنت درباره سال، ماه، روز و علت شهادت حضرت دیده می‌شود. منابع اهل - سنت سال‌های ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۹ و سال ۱۰۰ هجری را برای شهادت امام سجاد(ع) گزارش کرده‌اند. از لحاظ سندی گزارش سال‌های ۹۲ و ۹۴ قمری حائز اهمیت است. ولی از نظر قوت سند و شهرت گزارش، سال ۹۴ در منابع اهل سنت بسیار تأکید شده است. در مقابل، به سال ۹۴ قمری در منابع شیعی توجه خاصی نشده و تنها ابومحمد نوبختی قاضی نعمان به آن به صورت مستقل اشاره کرده است. البته برخی منابع شیعی سال ۹۴ قمری را کنار سال ۹۵ قمری به صورت مشترک گزارش کرده‌اند؛ تقریباً می‌توان گفت قولی اجماعی درباره سال ۹۴ بین شیعیان است؛ دو قول ۹۳ و ۹۰ قمری هم فقط در هر کدام از منابع اهل سنت و شیعه گزارش شده و هیچ یک، آن را در منابع خود انعکاس نداده‌اند. دو گزارش سال ۹۹ و ۱۰۰ قمری هم در هر دو تکرار شده است که آن را یعقوبی، احتمالاً از مدائنی نقل کرده و در دوره‌های بعد در منابع اهل سنت تکرار شده و البته مورد نقد قرار گرفته است.

درباره ماه و روز شهادت امام سجاد(ع) در منابع شیعه و اهل سنت پراکندگی کمتری است؛ چراکه منابع شیعی تقریباً بر ماه محرم اجماع دارند. محرم در منابع اهل سنت، قدیمی‌ترین و مستندترین قول است؛ چراکه بلاذری(م. ۲۷۹ق) از واقدی(م. ۲۰۷ق) آن را نقل کرده است. دو گزارش دیگر چهاردهم ربیع‌الاول و هفتم ذی‌الحجه است که در سده هشتم در منابع اهل سنت انعکاس یافته است. اختلاف اصلی در این قسمت درباره روز شهادت در ماه محرم است. قدیمی‌ترین گزارش در سده سوم که در منابع زیدی نقل شده و منابع سده پنجم و ششم امامی هم آن را تکرار کرده، ۲۵ محرم است. در سده پنجم، طبرسی، به دوازدهم محرم اشاره کرده که همین قول در سده نهم در منابع اهل سنت تکرار شده است. دو گزارش هجدهم و نوزدهم این شهر آشوب هم دیگر گزارش‌های منفرد منابع امامی است.

درباره علت وفات امام بنا بر منابع اهل سنت، مرگ طبیعی پررنگ‌تر است. ولی در منابع شیعه نظرات متفاوت است. رویکرد روایی امامیه اصرار بر شهادت دارد. ولی رویکرد کلامی در مدرسه بغداد باور به مرگ طبیعی را پیگیری می‌کند. به هر حال در منابع شیعه و اهل سنت اختلاف است. منابع اهل سنت اساساً توجهی به مرگ غیر طبیعی حضرت نکرده‌اند. منابع شیعی هم دو گروه هستند. گروه نخست حدیث‌گرایان به رهبری شیخ صدوق هستند که از سده چهارم به بعد شهادت به دست ولید بن عبدالملک را مطرح می‌کنند. در مقابل، جریان‌های کلامی عقل‌گرای شیعه، مانند شیخ مفید، به مرگ طبیعی برای امام سجاد(ع) قائل شده‌اند. به نظر می‌رسد که جریان‌های حدیث‌گرا با تغییر متون ادعیه کوشیده‌اند شهادت حضرت را نهادینه کنند. البته بررسی روند مناسبات امویان با امام سجاد(ع)، احتمال شهادت حضرت را تقویت می‌کند. این روند پس از عاشورا، با رفتارهای تعامل‌گونه امویان شروع شد و به مرور به رفتارهای خصمانه رسید. این فرایند، با توجه به فشارهایی که ولید بر بنی‌هاشم و شخص امام سجاد(ع) وارد می‌کرد، احتمال شهادت را نزدیک‌تر می‌کند.

فهرست منابع

١. آملی، سیدحیدر، (١٤٢٨ق.) تفسیر المحيط الأعظم، تحقیق السيد محسن الموسوی التبریزی، چاپ الرابعة، مؤسسه فرهنگی و نشر نور علی نور، قم.
٢. ایشیهی، بی تا، المستطرف فی کل فن مستطرف، بی جا، دار ومکتبۃ الهلال
٣. ابن ابی الحدید(١٩٥٩م.)، شرح نهج البلاغۃ، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیۃ.
٤. ابن ابی شیبۃ کوفی، عبد الله بن محمد، (١٤٠٩ق.)، المصنف، تحقیق سعید اللحام، بیروت، دار الفکر.
٥. ابن اثیر، عزّ الدین ابن الاثیر(١٩٦٥م.)، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار صادر.
٦. ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد ابی حاتم تمیمی(١٣٩٣ق.)، **الثقات**، بیروت، الکتب الثقافیۃ.
٧. -----، محمد بن حبان بن احمد ابی حاتم تمیمی(١٤١١ق.)، **مشاهیر علماء الأمصار**، تحقیق مرزوق علی ابراهیم، المنصورة، دار الوفاء.
٨. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر (١٤٠٤ق.)، **تهذیب التهذیب**، بیروت، دار الفکر.
٩. -----، أحمد بن علی بن حجر (١٤١٥ق.)، **تقریب التهذیب**، تحقیق عطاء، بیروت، دار الکتب.
١٠. ابن حمدون، ١٩٩٦م.، التذکرۃ الحمدونیۃ، تحقیق احسان عباس و بکر عباس، چاپ اول، بیروت، دار صادر للطباعۃ والنشر
١١. ابن حمزة الطوسی(١٤١٢ق.) الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، چاپ دوم، قم، مؤسسه أنصاریان للطباعۃ و النشر.
١٢. ابن سعد، محمد بن سعد(١٩٣٠م.)، **الطبقات الكبرى**(الکبیر)، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر.
١٣. ابن شهر آشوب، ابی عبد الله محمد بن علی(١٩٥٦م.)، **مناقب آل ابی طالب**، تحقیق لجنة من اساتذۃ النجف الاشرف، المکتبه الحیدریه.
١٤. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد أحمد، (١٤٢٢ق.) **الفصول المهمۃ فی معرفۃ الأئمة**، تحقیق سامی الغریبی، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحدیث.
١٥. ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن ابن هبۃ الله بن عبد الله الشافعی(١٩٩٥م.)، **تاریخ مدینه دمشق**، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر.
١٦. ابن عنیه، جمال الدین احمد بن علی الحسینی(١٩٦١م.)، عمدة الطالب فی انساب ال ابی طالب، تحقیق محمد حسن ال الطالقانی، نجف، منشورات المطبعۃ الحیدریۃ.
١٧. ابن قتیبه دینوری، ابی محمد عبد الله بن مسلم(١٩٦٩م.)، **المعارف**، تحقیق ثروت عکاشۃ، مصر، دار المعارف.
١٨. ابن کثیر(١٤٠٨ق.)، **البدایۃ و النهایۃ**، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

١٩. احمد بن حنبل، (١٤٠٨ق.) **العلل**، تحقيق وصى الله بن محمود عباس، چاپ اول، المكتب الإسلامى، بيروت.
٢٠. أخبار الدولة العباسية، بى تا، مؤلف مجهول، تحقيق عبد العزيز الدورى و عبد الجبار المطلبى، بيروت، دار الطليعة للطباعة والنشر
٢١. اربلى، ابى الحسن على بن عيسى بن ابى الفتح (١٩٨٥)، **كشف الغمّة**، دارالاضواء، بيروت.
٢٢. بارتولد، **ترکستان نامه**، ترجمه، كريم كشاورز، تهران، موسسه انتشارات آگاه، ١٣٦٦.
٢٣. بخارى، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم (١٤٠٦ق.)، **التاريخ الصغير**، تحقيق محمود إبراهيم زايد، بيروت، دار المعرفة.
٢٤. بلاذرى، احمد بن يحيى بن جابر (١٩٥٩م.)، **انساب الاشراف**، تحقيق حميد الله، مصر، دار المعارف.
٢٥. حسين بن عبد الوهاب، (١٣٦٩ق.) **عيون المعجزات**، الحيدريّة، ناشر محمد كاظم الشيخ صادق الكتبى، نجف
٢٦. حمد الله مستوفى قزوینی (١٣٦٢ش)، **تاريخ گزیده**، باهتمام دکتر عبد الحسين نوائى، تهران، انتشارات امير كبير.
٢٧. خيلفه بن خياط، ابى عمرو خليفه بن خياط (بى تا)، **تاريخ خليفه**، تحقيق سهيل زكار، بيروت، دار الفكر.
٢٨. ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد (١٤٠٧ق.) **تاريخ الإسلام**، تحقيق عمر عبد السلام تدمرى، چاپ اول، بيروت، دار الكتاب العربى.
٢٩. ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد (١٩٩٣م.)، سير الاعلام النبلاء، تحقيق شعيب الانزوط، بيروت، مؤسسه الرساله.
٣٠. -----، شمس الدين محمد بن احمد (١٩٦١ق.) **العبر**، تحقيق فؤاد سيد، كويت، دائرة المطبوعات و النشر فى الكويت.
٣١. سبزواری، محمد، (١٩٩٣م.) معارج اليقين فى أصول الدين، تحقيق علاء آل جعفر، چاپ الأولى، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث
٣٢. سيد ابن طاووس، ابى القاسم على بن موسى (١٤١٤ق.)، إقبال الأعمال، تحقيق جواد القيومى الاصفهانى، قم، مكتب الإعلام الإسلامى.
٣٣. شيخ صدوق، ١٩٩٣م. الاعتقادات فى دين الإمامية، تحقيق عصام عبد السيد، چاپ دوم، بيروت، دار المفيد للطباعة والنشر
٣٤. شيخ صدوق، ١٩٩٣م. الاعتقادات فى دين الإمامية، تحقيق عصام عبد السيد، چاپ دوم، بيروت، دار المفيد للطباعة والنشر
٣٥. شيخ صدوق، محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى (١٣٨٥ق.)، علل الشرائع، تحقيق بحر العلوم، النجف، المكتبة الحيدريّة.
٣٦. شيخ طوسى، (١٣٦٤ش.) **تهذيب الأحكام**، تحقيق سيد حسن موسوى خراسان، چاپ سوم، دار الكتب الإسلاميه، تهران.
٣٧. شيخ طوسى، أبى جعفر محمد بن الحسن (١٩٩١م.) مصباح المتهدج، چاپ اول، بيروت، مؤسسه فقه الشيعة.

۳۸. شیخ مفید، ابی عبد الله محمد بن النعمان (۱۴۱۴ق.)، **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، تحقیق مؤسسه آل البيت، چاپ دوم، دار المفید.
۳۹. شیخ مفید، بی عبد الله محمد بن محمد (۱۴۱۰ق.) **المقنعة**، تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۰. شیخ مفید، بی عبد الله محمد بن محمد (۱۹۹۳م.) **مسار الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة**، تحقیق مهدی نجفی، چاپ دوم، بیروت، دار المفید.
۴۱. شیخ مفید، بی عبد الله محمد بن محمد (۱۹۹۴م.) **مسار الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة**، تحقیق مهدی نجفی، چاپ دوم، بیروت، دار المفید.
۴۲. صفدی، صلاح‌الدین ابوالصفاء خلیل بن ایبک بن عبدالله سیفی (۱۴۲۰ق.)، **الوافی بالوفیات**، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث.
۴۳. طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن (۱۴۰۶ق.)، **تاج الموالید فی موالید الائمة و وفیاتهم**، قم، مکتب ایه الله المرعشی النجفی.
۴۴. طبری (منسوب)، ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم الطبری الصغیر (۱۴۱۳ق.)، **دلائل الامامیه**، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، چاپ اول، قم، مؤسسه البعثه.
۴۵. -----، محمد بن جریر (۱۹۸۳م.)، **تاریخ الامم والملوک**، چاپ چهارم، بریل، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۶. علامه حلی (۱۴۱۴ق.)، **تذکره الفقهاء (ط. ج.)**، تحقیق: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ اول، قم، ناشر مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۴۷. علامه حلی (۱۴۲۰ق.)، **تحریر الأحکام**، ابراهیم بهادری، چاپ اول، قم، مکتبه التوحید.
۴۸. فتال نیشابوری، محمد بن الفتال (بی تا) **روضه الواعظین**، تحقیق محمد مهدی حسن خراسان، قم، منشورات الرضی.
۴۹. قاسم بن ابراهیم الرسی (۱۹۹۸م.)، **تثبیت الإمامه**، تحقیق صالح الوردانی، چاپ اول، بیروت، الغدیر.
۵۰. قاضی نعمان مغربی، ابی حنیفه النعمان بن محمد التمیمی (۱۴۱۴ق.)، **شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار**، تحقیق محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۵۱. قمی، حسن بن محمد بن حسن قمی، (بی تا) **تاریخ قم**، تحقیق سید جلال الدین طهرانی، مطبعه مجلس، تهران.
۵۲. کاتب البغدادی (۱۴۰۶ق.)، **تاریخ الائمة**، قم، مکتبه ایه الله المرعشی.
۵۳. کفعمی، ابراهیم، (۱۹۸۳م) **المصباح**، چاپ الثالثه، بیروت، ناشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۳ق.)، **کافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۵۵. مزی، جمال الدین ابی الحجاج یوسف (۱۴۰۶ق.)، **تهذیب الکمال**، تحقیق عواد معروف، چاپ چهارم، بیروت، موسسه الرساله.
۵۶. مسعودی (۱۴۰۴)، **مروج الذهب ومعادن الجوهر**، چاپ دوم، قم، منشورات دار الهجرة.
۵۷. مقدسی، یدالله، (۱۳۹۵)، **بازپژوهشی ولادت و شهادت معصومان**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

٢٦ سخن تاريخ / سال شانزدهم، شماره ٣٨، تابستان ١٤٠١

٥٨. موصلى، شرف الدين، (١٤٢٤ق.) مناقب آل محمد، قم، مؤسسه آل البيت.
٥٩. نوبختى، فرق الشيعه، بيروت، دارالاضواء، ١٤٠٤ق.
٦٠. يعقوبى، أحمد بن أبى يعقوب (بى تا)، تاريخ اليعقوبى، قم، المؤسسة نشر فرهنگ أهل بيت (ع)
٦١. يوسف بن حاتم الشامى المشغرى العاملى (بى تا)، الدر النظيم، قم، مؤسسه النشر الإسلامى.